



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته: تفسیر و علوم قرآن

عنوان پایان نامه

نقش صبر در کمال انسان از منظر قرآن

استاد راهنما

حجت الاسلام والمسلمین مصطفی کریمی

استاد مشاور

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا امین

دانش پژوه:

ابراهیم غلام زاده غیبی

دی ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و ... از
این پایان نامه یا رساله برای موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)
محفوظ است. نقل مآخذ بلامانع است.

تقديم به اسوهی صبر و استقامت

حضرت زینب سلام الله علیها

تقدیر و تشکر

اینجانب به پاس شکرگزاری و قدر شناسی تقدیر و تشکر می‌کنم از:
استاد راهنمای عزیزم استاد حجت الاسلام والمسلمین مصطفی کریمی که با
توانمندی علمی خود و نهایت صبر در تقویت علمی این اثر کوشیدند.
استاد مشاور عزیزم، حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا امین که با
دقت نظر خود در تحکیم و چینش دقیق مطالب کوشیدند.
پدر، مادر و همسر عزیزم که در تمامی مراحل تحصیل همراه و حامی بنده
بودند.
در پایان از استاد داور عزیز که در بررسی و اصلاح مطالب بنده را یاری
می‌کنند.

چکیده

خداوند حکیم انسان را برای رسیدن به کمال و سعادت آفریده است. کمال انسان در ابعاد مختلف بینشی، گرایشی و توانشی قابل تحقق است. از شمار موضوعاتی که درباره‌ی کمال انسان مطرح می‌شود، عوامل مؤثر در آن است. یکی از عواملی که می‌تواند در کمال انسان نقش ایفا کند صبر اوست. این پژوهش نقش صبر در کمال انسان را با هدف زمینه‌سازی نیل انسان‌ها به کمال بررسی می‌کند. روش گردآوری اطلاعات، فیش‌برداری و پردازش آن به روش توصیفی و تحلیل و تفسیر موضوعی روشمند خواهد بود.

صبر در انسان موجب شناخت مسیر هدایت، رشد معرفت آدمی و درک بهتر آیات و نشانه‌های خدا، درک صحیح نسبت به بی‌ارزش بودن ثروت دنیا و ترجیح ثواب الهی بر آن و درک صحیح بهترین شیوه‌ی برخورد با دشمنان می‌شود.

از سوی دیگر صبر، فروکاستن امیال و غرایز، تقویت روحیه‌ی امیدواری در انسان، گرایش به پرستش خدای یکتا و دوری از شرک، ایجاد روحیه‌ی شجاعت، تعادل بخشیدن به خوف و رجاء نسبت به پروردگار، جهت‌دهی مثبت به امیال و خواسته‌ها، اثرپذیری و پذیرش با بصیرت آیات الهی و جهت‌دهی مثبت به عواطف و ایجاد روحیه‌ی عفو و گذشت در انسان را در پی دارد.

همچنین صبر زمینه‌ساز وفای به عهد الهی و عدم نقض پیمان، پیوند با افراد مورد تأکید خداوند، اقامه‌ی نماز، انفاق در راه خدا و اعتدال در آن، دفع خطاهای خود و دیگران، تواضع، فروتنی و رفتار مسالمت‌آمیز با جاهلان، شب‌زنده‌داری و عبادت خالصانه‌ی خداوند، پرهیز از امور باطل و بیهوده و پایداری در راه حق و ایستادگی مقابل طاغوت است.

کلیدواژه‌ها: صبر، کمال انسان، کمال بینشی، کمال گرایشی، کمال رفتاری

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم	۱
۱-۱. کلیات	۲
۱-۱-۱. مسأله تحقیق	۲
۱-۱-۲. پیشینه تحقیق	۳
۱-۱-۳. ضرورت تحقیق	۵
۱-۱-۴. پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق	۵
۱-۱-۵. روش تحقیق	۶
۲-۱. مفاهیم	۶
۱-۲-۱. انسان	۶
۱-۲-۱-۱. مفهوم لغوی	۶
۱-۲-۱-۲. مفهوم قرآنی	۷
انسان موجودی دوساحتی	۸
روح، هویت واقعی انسان	۹
۲-۲-۱. کمال	۱۰
۱-۲-۲-۱. مفهوم لغوی	۱۰
۱-۲-۲-۱-۱. تفاوت کمال با تمام	۱۰
۲-۲-۲-۱. مفهوم اصطلاحی	۱۱
مفاهیم همسو با کمال	۱۱
۱. فلاح	۱۱
۲. فوز	۱۲
۳. سعادت	۱۲
حصول کمال انسان با اعمال اختیاری او	۱۳
۳-۲-۱. صبر	۱۴
۱-۳-۲-۱. مفهوم لغوی	۱۴
اقسام صبر	۱۴
۲-۳-۲-۱. مفهوم قرآنی	۱۷

۱۸.....	۴-۲-۱. نقش
۱۹.....	فصل دوم: نقش صبر در کمال بینشی انسان
۲۰.....	۱-۲. مقدمه
۲۴.....	۲-۲. موارد نقش آفرینی صبر در کمال بینشی انسان
۲۵.....	۱-۲-۲. صبر، زمینه ساز رشد معرفت آدمی و درک بهتر آیات و نشانه‌های خدا
۲۶.....	۲-۲-۲. صبر، زمینه ساز شناخت مسیر هدایت و کمال
۲۸.....	۳-۲-۲. صبر، زمینه ساز درک صحیح نسبت به بی ارزشی ثروت دنیا و ترجیح ثواب الهی بر آن
۳۲.....	۴-۲-۲. صبر، زمینه ساز درک صحیح بهترین روش برخورد با دشمنان
۳۴.....	نتیجه گیری
۳۵.....	فصل سوم: نقش صبر در کمال گرایشی انسان
۳۶.....	۱-۳. مقدمه
۳۷.....	۲-۳. موارد نقش آفرینی صبر در کمال گرایشی انسان
۳۷.....	۱-۲-۳. صبر، زمینه ساز فروکاستن از امیال و غرایز انسان
۳۷.....	۱-۱-۲-۳. غریزه خوردن و آشامیدن
۳۹.....	۲-۱-۲-۳. غریزه جنسی
۴۳.....	۲-۲-۳. صبر زمینه ساز تقویت روحیه‌ی امیدواری در انسان
۴۵.....	۳-۲-۳. صبر زمینه ساز گرایش به پرستش خدای یکتا و دوری از شرک
۴۶.....	۴-۲-۳. صبر زمینه ساز ایجاد روحیه‌ی شجاعت در انسان
۴۹.....	۵-۲-۳. صبر زمینه ساز تعادل خوف و رجاء در فرد نسبت به پروردگار
۵۲.....	۶-۲-۳. صبر زمینه ساز جهت دهی مثبت به امیال و خواسته‌ها در مقام دعا
۵۴.....	۷-۲-۳. صبر زمینه ساز اثرپذیری و پذیرش با بصیرت آیات الهی
۵۶.....	۸-۲-۳. صبر زمینه ساز جهت دهی مثبت به عواطف و ایجاد روحیه‌ی عفو و گذشت در انسان
۵۸.....	نتیجه گیری
۶۰.....	فصل چهارم: نقش صبر در کمال رفتاری انسان
۶۱.....	۱-۴. مقدمه
۶۵.....	۲-۴. موارد نقش آفرینی صبر در کمال رفتاری انسان
۶۵.....	۱-۲-۴. صبر زمینه ساز وفای به عهد الهی و عدم نقض پیمان
۶۷.....	۲-۲-۴. صبر زمینه ساز پیوند با افراد مورد تأکید خداوند

۷۰	 ۴-۲-۳. صبر، زمینه ساز اقامه‌ی نماز
۷۳	 ۴-۲-۴. صبر، زمینه ساز انفاق در راه خدا و اعتدال در آن
۷۹	 ۴-۲-۵. صبر، زمینه ساز دفع خطاهای خود و دیگران
۸۴	 ۴-۲-۶. صبر، زمینه ساز تواضع، فروتنی و رفتار مسالمت آمیز با جاهلان
۸۷	 ۴-۲-۷. صبر، زمینه ساز شب زنده‌داری و عبادت خالصانه‌ی خداوند
۸۹	 ۴-۲-۸. صبر، زمینه ساز پرهیز از امور باطل و بیهوده
۹۲	 ۴-۲-۹. صبر، زمینه ساز پایداری در راه حق و ایستادگی مقابل طاغوت
۹۶	 نتیجه‌گیری
۹۷	 خاتمه
۹۸	 نتیجه‌گیری
۹۹	 پیشنهادها
۱۰۱	 فهرست منابع

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱. کلیات

۱-۱-۱. مسأله تحقیق

یکی از موضوعات مهم در مورد انسان، کمال اوست. کمال انسان نوعی افزایش کمی یا کیفی و یا شکوفایی و بیشتر شدن بهره وجودی است.^۱ از طرفی کمال انسان اکتسابی است و با تلاش و رفتار خود فرد حاصل می‌شود، از این‌رو شناخت عوامل مؤثر بر کمال انسان می‌تواند در نیل به این کمال اکتسابی انسان را کمک کند. یکی از اموری که با توجه به ظاهر آیات می‌تواند در کمال انسان مؤثر باشد «صبر» است. صبر در زبان عربی به معنای «حبس» و «نقیض» «جزع» بوده و به همین مضمون در فرهنگ لغت فارسی نیز به معنای «شکیبایی و نقیض جزع» است. کمال انسان در سه بعد بینش، گرایش و توانش او حاصل می‌شود. منظور از بینش، همان دانش، آگاهی و شناخت است. منظور از گرایش، یک نوع کشش درونی است که می‌تواند محرک اراده در نفس شود. منظور از توانش، همان قدرت و کیفیت نفسانی است که منشأ انجام کاری یا ترک آن می‌شود و ظهور توانش انسان در رفتار اوست؛ لذا از نقش صبر در کمال رفتاری انسان بحث می‌کنیم.

این پژوهش نقش «صبر» در کمال انسان در ابعاد مختلف را بررسی می‌کند.

با عنایت به این که ازجمله اهداف قرآن کریم هدایت انسان به کمال و سعادت است و صبر از شمار مفاهیم پرکاربرد و مورد عنایت قرآن کریم است، این مسأله را از دیدگاه قرآن بررسی می‌کنیم.

۱. ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۴۶.

۲. ر.ک: الصحاح، ج ۲؛ ص ۷۰۶؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۲۹؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۵۷؛ تاج العروس، ج ۷، ص ۷۰.

۳. ر.ک: العین، ج ۷، ص ۱۱۵.

۴. ر.ک: لغت نامه دهخدا، ج ۱۸، ص ۵۲۱.

۵. وَ یَوْمَ نَبْعَثُ فِی كُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً عَلَیْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِیداً عَلَی هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تِبْیَاناً لِكُلِّ شَیْءٍ وَ هُدًی وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِینَ (نحل، ۸۹)

۲-۱-۱. پیشینه تحقیق

با جستجویی که صورت گرفت آثار مستقلى در باب «نقش صبر در کمال انسان» یافت نشد. البته برخى منابع به طور ضمنى از این مسئله سخن گفته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

کتب:

۱. «سیمای صابران در قرآن»، قرضاوى، یوسف، مترجم: لسانی فشارکى، محمدعلی، انتشارات بنیاد قرآن، چاپ اول بهار ۱۳۶۰ ش. این کتاب در فصل سوم با عنوان: «جایگاه صبر و صابران در قرآن» از ص ۱۳۴ تا ۱۴۰ با عبارت «معرفى صبر به عنوان کلید رستگارى» همراهى خدا با صابران، محبت خدا به صابران، درود پروردگار به صابران و... را مطرح مى‌کند. از این موارد مى‌توان تا حدی پی به نقش صبر در کمال انسان برد.

پایان نامه‌ها:

۲. «بررسی نقش تکاملی صبر با نگاهی به جایگاه صابران از دیدگاه قرآن کریم»، مینایی، محمد، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی اراک ۱۳۷۴ ش. این پژوهش به‌رغم اینکه عنوانی شبیه عنوان تحقیق ما دارد، ولی از جهت روش و محتوا با پژوهش ما متفاوت است. پژوهش مورد نظر شامل پنج فصل است: در فصل اول کلیات تحقیق ذکر شده، در فصل دوم: کتاب سیمای صابران در قرآن مورد نقد و بررسی قرار گرفته، در فصل سوم: روش تحقیق توضیح داده شده و در فصل چهارم که شامل سه بخش است در بخش سوم با عنوان: صبر موجب موفقیت‌های فردی و اجتماعى، و در فصل پنجم نتایج تحقیق ذکر شده است. بنابر این منبع مذکور تنها در بخش سوم از فصل چهارم، صبر باعث پیروزی و آرامش دلها، صبر باعث موفقیت‌های فردی و اجتماعى، صبر باعث موفقیت‌های دینی، دنیوی و اخروی را مطرح کرده است؛ ولی بحث را از ابعاد مختلف کمال انسانی روشن نمى‌کند. بنابراین از پژوهش ما کفایت نمى‌کند.

۳. «جایگاه صبر در قرآن و روایات»، نصیری، همت الله، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات، فلسفه و معارف اسلامی دانشگاه آزاد تهران ۱۳۷۹ ش. این پژوهش در فصل پنجم از

ص ۱۸۶ تا ۱۹۷ هماهنگی صبر با ارزشهای معنوی را ذکر می‌کنند مثل: صبر و یقین، صبر و شکر، صبر و توکل، صبر و نیایش و... که با کنار هم گذاشتن آیات می‌توان پی به مؤثر بودن صبر در پیدایش این ارزشها برد؛ بنابراین، تحقیق مذکور، موجب بی‌نیازی از تحقیق ما نمی‌شود.

۴. «صبر از دیدگاه قرآن»، صابریان، روح الله، پایان نامه کارشناسی ۱۳۸۲ ش. این پژوهش در بخش پنجم با عنوان آثار و فوائد صبر از ص ۸۳ تا ۹۰ برخی از آثار را ذکر می‌کنند، از جمله: تربیت و کمال نفس، پیدایش روحیه شکست ناپذیر و...، بنابراین فقط اشاره‌ای به مسأله پژوهش ما دارند و از تحقیق ما کفایت نمی‌کند.

۵. «کارکردهای تربیتی صبر و نقش آن در سلامت روان از منظر قرآن و روایات»، عسگری، زهرا، دانشگاه سیستان و بلوچستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۳ ش. این پژوهش در فصل اول ص ۱۰ اصل تأثیر صفات اخلاقی در شناخت و یادگیری و بالعکس و در ص ۱۶ و ۱۷ در فصل چهارم از ص ۵۰ تا ۶۴ نقش صبر در سلامت روان و ویژگی‌هایی حاصل از آن اشاره می‌کنند. مانند تسلط بر رفتار، ترک گناه، ثبات و پایداری، حفظ تعادل روانی و.. بیشتر مطالب را از روایات استفاده کرده است. بنابر این این منبع از پژوهش ما کفایت نمی‌کند.

۶. «فلسفه تربیتی صبر از منظر قرآن و احادیث»، قرشی، حمیدرضا، دانشگاه شهید باهنر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۶ ش. این پژوهش در فصل چهارم با عنوان دلالت‌های فلسفی و تربیتی مفهوم صبر در ص ۶۹ رابطه صبر با ظرفیت وجودی انسان و در فصل پنجم از ص ۷۸ تا ۸۱ ماهیت تربیتی صبر و اثرات آن را ذکر می‌کنند، اما به جنبه‌های مختلف کمال انسان و نقش صبر در هر یک از این جنبه‌ها نمی‌پردازند؛ بنابراین، از تحقیق ما کفایت نمی‌کند.

مقالات:

۷. «نقش صبر در آرامش و سلامت معنوی انسان از نگاه قرآن و روایات اسلامی»، رضوی دوست، غلامرضا؛ خاکپور، حسین؛ فنودی، صدیقه؛ اکاتی، مرضیه، مجله تاریخ پزشکی، زمستان ۱۳۹۴ شماره ۲۵. ص ۱۲۹ تا ۱۶۰. در این مقاله از نقش صبر در سلامت معنوی، با عناوینی مثل: مدیریت اراده و فرمان، مدیریت امیال نفسانی، بازدارندگی از گناه، و زمینه‌های بروز آن، کنترل خشم و ... یاد شده اما روش این مقاله تفسیر موضوعی نیست، علاوه بر اینکه نقش صبر

در ابعاد وجودی او نیز بررسی نشده است.

چنانکه در بررسی پیشینه روشن شد، هیچ کدام از این پژوهش‌ها «نقش صبر در کمال انسان» را با روش تفسیر موضوعی بررسی نکرده و هیچ اشاره‌ای به بُعد بینشی، گرایشی و توانشی انسان ندارند، حتی تمام ابعاد «نقش صبر در کمال انسان» در مجموع این منابع نیز بررسی نشده است. از این رو یک تحقیق جامع پیرامون «نقش صبر در کمال انسان» ضرورت دارد.

۳-۱-۱. ضرورت تحقیق

مسأله‌ی «نقش صبر در کمال انسان» از دو جهت اهمیت دارد: ۱. به جهت زمینه‌سازی برای دستیابی انسان‌ها به کمال؛ زیرا آگاهی افراد از نقش صبر در کمال انسان، زمینه را فراهم می‌کند تا آنها در مصیبت، گناه و عبادت صبر داشته باشند و تمرین صبر کنند و به کمال برسند. ۲. به جهت نقش معرفتی آن در برخی دانش‌های علوم انسانی. زیرا علوم انسانی مبانی مختلفی دارد که یکی از آنها، مبانی انسان‌شناختی است. آگاهی از کمال انسان و اعمال اختیاری نقش‌آفرین در دستیابی به آن از جمله «صبر» به معرفی و تبیین این قسم از مبانی علوم انسانی کمک می‌کند.

به‌رغم این‌که به جهت اهمیت ذاتی آگاهی از «نقش صبر در کمال انسان»، عالمان قرآنی و علوم انسانی به این مسئله توجه داشته و آثاری نیز نشر داده‌اند؛ لکن چنان‌که در پیشینه گذشت، این آثار همه جوانب مسئله را از نگاه قرآن کریم بررسی نکرده و از پژوهش ما کفایت نمی‌کنند. بنابر این جای یک پژوهش جامع پیرامون «نقش صبر در کمال انسان» از دیدگاه قرآن کریم خالی است و انجام آن ضرورت دارد.

۴-۱-۱. پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق

پرسش اصلی

از منظر قرآن صبر چه نقشی در کمال انسان دارد؟

پرسش‌های فرعی

۱. از منظر قرآن صبر چه نقشی در کمال بینشی انسان دارد؟
۲. از منظر قرآن صبر چه نقشی در کمال گرایشی انسان دارد؟
۳. از منظر قرآن صبر چه نقشی در کمال رفتاری انسان دارد؟

۵-۱-۱. روش تحقیق

این تحقیق با گردآوری، دسته بندی، توصیف، تحلیل، استخراج و جمع بندی دلالت آیات قرآن کریم به روش تفسیر موضوعی به بررسی پاسخ مسائل محوری این پژوهش می‌پردازد و البته در حد تبیین دلالت آیات و تأیید مطالب مورد نظر، از روایات نیز بهره می‌برد.

۲-۱. مفاهیم

در هر کار تحقیقی و پژوهشی برای مشخص شدن چارچوب بحث، از یک سری واژگان و مفاهیم استفاده می‌شود، اما بعضی از واژگان دارای معانی متعدد لغوی و اصطلاحی هستند یا کاربرد قرآنی خاصی دارند؛ بنابراین باید قبل از پرداختن به بحث اصلی، این واژگان را مفهوم شناسی کرد تا معنای مورد نظر در تحقیق مشخص شود.

۱-۲-۱. انسان

واژه‌ی انسان هر چند از لحاظ معنایی روشن است اما برای تبیین بیشتر به بررسی این واژه در کاربردهای متفاوت نیاز هست.

۱-۲-۱-۱. مفهوم لغوی

واژه «انسان» به جمعی از مردم اطلاق می‌شود و جمع آن أناس به مفهوم الفت است. بعضی از لغویون «إنس» را مقابل «جن» و به معنای مخالف وحش می‌دانند.^۱ انسان وقتی به صورت جمع به کار می‌رود در قالب واژه‌هایی نظیر: «ناس»، «إنس» و «أناسی» به کار می‌رود.

در مورد وجه تسمیه‌ی انسان، اختلاف نظر هست، بعضی می‌گویند به این دلیل انسان نامیده شده که خلقت او به گونه‌ایست که حیاتش بدون انس و الفت با دیگران ممکن نیست یا به تعبیری مدنی بالطبع است و قول دیگری، نسیان انسان را علت نامگذاری او می‌داند.^۲ در مورد علت نامیدن انسان، روایتی از ابن عباس به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده: أنه قال: إنما سمي الإنسان إنساناً لأنه

۱. ر.ک: لسان العرب، ج ۶، ص ۱۰-۱۷.

۲. ر.ک: معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۴۵.

۳. ر.ک: مفردات الفاظ القرآن، ص ۹۴.

عهدِ إلیه فَنَسِیْ^۱ بنابراین علت نامگذاری انسان، فراموشی عهدی است که قبلاً با خدا بسته، اما به نحوی می‌توان هر دو قول را پذیرفت؛ زیرا هر دو قول مورد تأیید قرآن است، در مورد نسیان انسان می‌فرماید: وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِیَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً^۲ همچنین قرآن در مورد اجتماعی بودن و نیازمند جفت بودن انسان می‌فرماید: هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا^۳؛ در آیه دیگری خداوند می‌فرماید: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً^۴ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۵ بنابراین انسان موجودی است که نیاز به انس و الفت دارد و این نیاز از طریق زوج او تأمین می‌شود.

۲-۱-۲-۱. مفهوم قرآنی

قرآن کریم با واژه‌های مختلفی از انسان یاد می‌کند، از جمله: انسان، بشر، ناس، أناس، إانس، إنسی، أناسی و بنی آدم.^۶ واژه‌ی «انسان» ۶۵ بار در قرآن آمده است، تعبیر مختلفی هم که در مورد انسان به کار برده شده با توجه به بلاغت قرآن است. تنها تفاوتی که بین لفظ «انسان» و «بشر» وجود دارد این است که انسان بر جمع اطلاق نمی‌شود و اسم جنس فردی است ولی بشر، هم به صورت اسم جنس فردی و هم اسم جنس جمعی به کار می‌رود.^۷ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ^۸ واژه‌های دیگر مثل: ناس، اناس، و انس، همه اسم جمع هستند، اما تفاوتی در کاربرد دارند، مثلاً «ناس» به همه‌ی انسان‌ها اطلاق می‌شود، ولی «اناس» معمولاً به دسته‌ای از انسان‌ها گفته می‌شود، در داستان

۱. ر.ک: لسان العرب، ج ۶، ص ۱۱.

۲. طه، ۱۱۵، و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم، و [لی آن را] فراموش کرد، و برای او عزمی [استوار] نیافتیم.

۳. اعراف، ۱۸۹، اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد.

۴. روم، ۲۱، و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.

۵. ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، انسان شناسی در قرآن، ص ۳۷.

۶. ر.ک: همان

۷. فصلت، ۶.

قوم لوط نسبت به مؤمنان می‌فرماید: **إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ**؛ اینجا انسان‌هایی پاک دامن‌اند. «انس» هم بر مجموع انسان‌ها اطلاق می‌شود: **وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ**^۱، و جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند نیافریدم. واژه‌ی دیگری که در مورد انسان به کار رفته، «إنسی» است، که منسوب به «انس» است و در مفرد استعمال می‌شود: **فَلَنْ أَكَلَمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا**^۲، همچنین «أناسی»، جمع برای انسان است؛ **أَنعَاماً وَ أَنَاسِي كَثِيراً**^۳ در مورد انسان لفظ بنی آدم هم به کار رفته است، به این دلیل که نسل تمام انسان‌ها به حضرت آدم علیه السلام برمی‌گردد به آنها بنی آدم می‌گویند: **يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ**^۴

انسان موجودی دوساحتی

خداوند در قرآن انسان را موجودی دو بُعدی معرفی می‌کند، که علاوه بر بُعد جسمانی او که از خاک است، بُعد دیگری نیز دارد و آن بُعد روحانی اوست، این مهم در چند آیه‌ی شریفه اشاره شده است: **ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ**^۵، در این آیه‌ی شریفه مراحل شکل‌گیری، جسم انسان بیان شده است، در ادامه‌ی آیه تعبیر «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ»، اشاره به یک مرحله‌ای فراتر از بُعد جسمی انسان دارد؛ زیرا تعبیر به «انشاء» شده، اگر منظور ادامه‌ی خلقت جسمانی بود باید از تعبیر «خلق» استفاده می‌شد، دلیل اینکه «انشاء» به کار رفته، برای این است که بفهماند این چیزی که در ادامه به وجود آمده، غیر از قبلی است و حقیقت دیگری دارد^۶ که جدا از جسم انسان است. آیه‌ی شریفه‌ی

۱. نمل، ۵۶.

۲. ذاریات، ۵۶.

۳. مریم، ۲۶.

۴. ر.ک: *التحقیق فی کلمات القرآن*، ج ۱، ص ۱۷۶.

۵. فرقان، ۴۹.

۶. اعراف، ۲۷.

۷. مؤمنون، ۱۴، آن گاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم. پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم، و آن گاه مضغه را استخوانهایی ساختیم، بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم، آن گاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است.

۸. ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۵، ص ۲۰.

دیگری نیز به دو بُعدی بودن انسان اشاره دارد: الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ؛ در این آیهی شریفه نیز به مادهی اولیهی خلقت انسان و مراحل رشد جسمانی او اشاره شده است و در ادامه از واژهی «سَوَّاهُ» استفاده شده، تسویه به معنای تصویر و متمیم عمل است، یعنی خلقت جسمانی به پایان رسیده و در ادامه تعبیر «نَفَخَ رُوح» اشاره‌ای کنایی به اضافه شدن روح به بدن دارد؛ بنابراین از این دو آیهی شریفه استفاده می‌شود که روح، حقیقتی غیر از جسم انسان است.

روح، هویت واقعی انسان

به دلایل مختلفی می‌توان گفت: هویت واقعی انسان به روح اوست. این ادله عبارتند از:

الف) جاودانگی و بقای روح پس از مرگ

روح انسان پس از مرگ نیز جاودانه است، در این مورد هم دلایل عقلی^۱ و هم دلایل قرآنی وجود دارد؛ مثلاً در آیه شریفه: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ،^۲

ملائکه پس از مرگ به مؤمنان بشارت به بهشت و نداشتن خوف و حزن می‌دهند، در صورتی که جسم انسان مرده و بشارت به جسد معنا ندارد، ولی روح انسان همچنان باقی است، و این بشارت به روح داده می‌شود.

ب) مسجود ملائکه شدن پس از دمیده شدن روح

۱. سجده، ۷-۹، همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده، و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد، سپس [تداوم] نسل او را از چکیده آبی پست مقرر فرمود، آن گاه او را درست‌اندام کرد، و از روح خویش در او دمید.
۲. رک: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۵۰.
۳. رک: محمود رجبی، انسان شناسی، ص ۱۱۰ تا ۱۱۲.
۴. فصلت، ۳۰، در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»؛ سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند]: «هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.

فرض دیگری که برای اثبات هویت واقعی بودن روح می‌توان ذکر کرد این است که طبق آیه شریفه: *إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ*^۱، پس از اینکه خداوند روح را در کالبد آدم علیه السلام دمید، دستور به سجده‌ی فرشتگان داد، یعنی روح انسان بود که او را شایسته‌ی سجده‌ی ملائکه کرد، و آن روح هم منسوب به خداوند است. از آنجا که هویت واقعی انسان به روح اوست، کمال انسان نیز در چارچوب روح تحقق خواهد یافت.

۲-۲-۱. کمال

۱-۲-۲-۱. مفهوم لغوی

کمال از ریشه‌ی «کمل» و در اصل به معنای تمام بودن چیزی است^۲، اما برخی کمال چیزی را به معنای «حصول غرض از آن چیز» می‌دانند^۳، همچنین کمال به مرتبه‌ای بعد از تمامیت اجزاء بیان شده است با این تفاوت که تمام در کمیات و کمال در کیفیات استعمال می‌شود^۴، بنابراین باید به تفاوت معنای تمام و کمال بپردازیم.

۱-۱-۲-۲. تفاوت کمال با تمام

تمام هر چیز عبارت است از جزئی از آن شیء که وقتی با سایر اجزاء ضمیمه شود، آن شیء همان شیء مورد نظر می‌شود و آثاری که از آن انتظار داریم بر آن مترتب می‌گردد و اتمام نیز آن است که بعد از آن که همه‌ی اجزاء را جمع کردیم، جزء آخری را هم بیاوریم تا آثار آن بر آن چیز مترتب شود، مثل ضمیمه کردن اجزای بدن انسان از قبیل سر و دست و پا و... که وقتی همه‌ی اجزاء به هم ضمیمه شد می‌گویند آن انسان تمام است، اما کمال هر چیزی، آن حال، و صف یا امری است که وقتی موجودی آن را داشته باشد دارای اثری علاوه بر آن اثری است که بعد از تمام شدن داشت، مثلاً عالم، شجاع یا عفیف بودن آثاری است که علاوه بر ضمیمه شدن اجزای

۱. ص، ۷۱ و ۷۲، آن گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل خواهم آفری، پس چون او را [کاملاً] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم، سجده‌کنان برای او [به خاک] بیفتید.

۲. ر.ک: العین، ج ۵ ص ۳۷۹؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۵ ص ۱۳۹.

۳. ر.ک: مفردات الفاظ القرآن، ج ۱ ص ۷۲۶.

۴. ر.ک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۰، ص ۱۲۶.

بدن انسان به او اطلاق می‌شود که به آنها کمال انسان می‌گویند.^۱

نتیجه اینکه: منظور از کمال چیزی تمام شدن اجزاء و حاصل شدن غرض از آن شی است که بعد از اتمام اجزاء و حاصل شدن غرض به آن کمال شیء می‌گویند.

۲-۲-۱ مفهوم اصطلاحی

کمال انسان نوعی افزایش کمی یا کیفی و یا شکوفایی و بیشتر شدن بهره وجودی است. کمال حقیقیِ هر موجود، عبارت است از صفت یا اوصافی که فعلیتِ اخیرش اقتضای واجد شدن آن‌ها را دارد و امور دیگر در حدی که برای رسیدن به کمال حقیقی‌اش مفید باشد، کمال مقدمی و مقدمهٔ الکمال خواهند بود. بآ توجه به معنای لغوی کمال می‌توان گفت: منظور از کمال انسان، رسیدن به نقطه‌ایست که هدف خداوند از خلقت انسان حاصل شود، بنابراین سیر انسان به سوی خدا، همان نفس او و انتهای سیر و کمال نهایی او در قرب الهی است که با اعمال قلبی و بدنی محقق می‌شود.^۲

مفاهیم همسو با کمال

واژه‌ی «کمال» اگر چه در مواردی در قرآن ذکر شده، اما در مورد انسان به کار نرفته، و مفاهیم دیگری در قرآن هستند که همسو با واژه‌ی «کمال» هستند و در مورد انسان به کار رفته‌اند.

۱. فلاح

فلاح در اصل از ریشه‌ی «فَلَح» به معنای «شَقَّ» یا شکافتن است، اما فلاح وقتی به انسان نسبت داده شود، به معنای ظفر و پیروزی است.^۳ در قرآن کریم، ۴۰ بار مشتقات این واژه آمده است و در هر مورد اشاره به این دارد که افرادی با شرایط و اعمال خاص جزء مُفْلِحُونَ هستند؛ پس انسان برای

۱. ر.ک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۵.

۲. ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۴۶.

۳. ر.ک: همو، خودشناسی برای خودسازی، ص ۱۳ و ۱۴.

۴. ر.ک: سید محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۶، ص ۱۶۶.

۵. ر.ک: مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۴۴.

رسیدن به کمال یا فلاح باید تلاش کند. نمونه ای از آیاتی که فلاح را مستلزم انجام اعمال خاص یا ایمان به مواردی می‌کند را در ذیل برمی‌شماریم. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ، وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ، أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ ایمان به غیب، اقامه نماز، انفاق، ایمان به کتبی که خداوند به پیامبران نازل کرده و یقین به آخرت، از جمله کارهایی هستند که انسان را به فلاح می‌رساند.

۲. فوز

فوز به معنای ظفر و پیروزی به خیر و نیکی همراه با سلامتی و تندرستی است.^۲ فوز و مشتقات آن ۲۹ مرتبه در آیات قرآن آمده و خداوند به انسان متذکر می‌شود که در صورت انجام چه کارهایی به فوز و رستگاری می‌رسد، از جمله آیه‌ی شریفه: الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛^۳ که می‌فرماید: ایمان، هجرت و جهاد با مال و جان در راه خدا انسان را به فوز و رستگاری می‌رساند. همچنین در آیه‌ی دیگری می‌فرماید: «فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ»،^۴ کسی که از آتش دور رانده شود و داخل در بهشت شود، به فوز و رستگاری رسیده است.

۳. سعادت

سعادت از ریشه‌ی «س ع د» و خلاف شقاوت است^۵ و سعادت در مورد انسان به معنای یاری‌کردن در کارهای خدایی و الهی برای رسیدن به خیر نیکی است؛^۶ در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده

۱. بقره، ۳-۵، آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند، و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده، و به آنچه پیش از تو نازل شده است، ایمان می‌آورند؛ و به آخرت یقین دارند، آنها را که از هدایتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آنها همان رستگارانند.

۲. ر.ک: مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۴۷.

۳. توبه، ۲۰.

۴. آل عمران، ۱۸۵.

۵. ر.ک: الصحاح، ج ۲، ص ۴۸۷.

۶. ر.ک: مفردات الفاظ القرآن، ذیل ماده «سعد».